





دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان پایان نامه :

مقایسه اصطلاح شناسی بین دو کتاب انسان کامل نسفی و مصباح

الهدایه عزالدین کاشانی

نگارش: طیبه جلیلی مهربانی

استاد راهنما: جناب آقای دکتر داوود اسپرهم

استاد مشاور: جناب آقای دکتر اسماعیل تاجبخش

پایان نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

بهمن ماه ۱۳۹۱

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: مقایسه‌ی اصطلاح شناسی بین دو کتاب انسان کامل نسفی و مصباح الهدایه عزالدین کاشانی	
نویسنده / محقق: طیبه جلیلی مهربانی	
مترجم: -	
استاد راهنما: آقای دکتر داوود اسپرهم	استاد مشاور: استاد داور: آقای دکتر اسماعیل تاج بخش / آقای دکتر یحیی طالبیان
کتابنامه: فارسی	واژه نامه: -
نوع پایان نامه: <input type="radio"/> بنیادی <input type="radio"/> توسعه ای <input type="radio"/> کاربردی ●	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۹۱-۹۲
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی
تعداد صفحات: ۲۵۵	گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی
کلیدواژه ها به زبان فارسی: اصطلاحات عرفانی، انسان کامل، عقل، روح، نسفی، کاشانی	
کلید واژه به زبان انگلیسی:	
mystical terms, philosophical terms, Aziz al-Din Nasafi, <i>Insan-e Kamil</i> , Izz al-Din Kashani, <i>Misbah al-Hedaya</i> , intellect, spirit	

چکیده:

برای مطالعه و بررسی هر دانشی ابتدا به شناخت زبان و اصطلاحات خاص آن دانش نیاز داریم، از این رو در سده‌های اخیر، مباحث ترمینالوژی (اصطلاح‌شناسی) اهمیت فراوانی یافته است. عرفان نیز دارای ترمینالوژی ویژه خود است و تا زمانی که فرهنگی جامع در این خصوص نداشته باشیم، هر گونه مطالعه هدفمند بی‌نتیجه خواهد ماند. این رساله کمکی است به تدوین تاریخی اصطلاح‌شناسی صوفیه است که مبتنی بر بررسی اصطلاحات دو کتاب مهم عرفان و تصوف یعنی انسان کامل نسفی و مصباح‌الهدایه کاشانی است. فرهنگ‌های مختلفی در باب اصطلاحات عرفانی موجود است ولی هیچ‌یک جنبه مقابله و مقایسه ندارد و در این بررسی تلاش این است که اصطلاحات به کار رفته شده توسط دو نویسنده عارف بعد از استخراج باهم مقایسه و مقابله شود و این نتیجه حاصل شود که هر کدام در کاربرد اصطلاحات چه نکات مشترک و دیدگاه‌های مشترکی دارند و تفاوت دیدگاه هر کدام و نیز نحوه کاربرد اصطلاحات از طرف هر دو نویسنده مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: اصطلاحات عرفانی، اصطلاحات فلسفی، انسان کامل، عقل، روح

تقدیم به

همه کسانی که در نوشتن این راه‌یاری رسان بودند.

تقدیم به

روح پدرم عزیزم

و مادر مهربانم

و همسر... و فرزندان صبورم به پاس اوقاتی که از آنان دریغ داشتم

پیشگفتار :

«الحمد لله الأوّل " اول کان قبله و الآخر " آخر یکون بعده

سپاس بی پایان به پیشگاه پروردگاری که گو محبت را در صدف دل به ودیعت نهاد و اهل دل را به غواصی در دریای معرفت فرا خواند و اهل خلقت را از نقطه درخشانی آغاز کرد که «بسم الله الرحمن الرحیم» آیتی از آیات مواج آن جوهر است.»

(بر گرفته از پیشگفتار کتاب «به سوی مبدأ»)

عرفان اسلامی عالمی است بس فراخ و بحری است بس عمیق که تشنگان معرفه الله با غوص در آن مرواریدهای غلطان عرفان را صید می کنند و کویر تشنه جان را به این اب روان حیاتی دوباره می بخشند. با ظهور آفتاب درخشان اسلام و نزول مقدس قرآن کریم که سرشار از معانی و مفاهیم بلند معرفتی است، سیری در عالم اسلام ایجاد شد به سوی شناخت که به عرفان اسلامی مشهور است.

عرفای مسلمان در طول تاریخ و در گذر تحولات مختلف اجتماعی از جمله حمله مغول و حکومت حاکمان ضد دینی گاه چنان در تنگنای این تحولات گرفتار می آمد که مجبور می شدند معارف بلند اسلامی را در لفافه الفاظ قرار دهند و این معانی را به صورت رمز بیان کنند و گاه ساحت این اندیشه ها چنان رفیع بود که دستیابی به آن برای عموم ممکن نبود، بنابراین برای ذکر افکار و اندیشه ها از عبارات قراردادی که همان اصطلاحات خاص این حیطه است، بهره برده اند.

گاه بلندترین و پیچیده ترین حالات عرفانی در یک عبارت و اصطلاح گنجانده، و فهم و درک آن برای عموم ممکن نیست، بنابراین این اصطلاحات نیاز به توضیح و تفسیری دارند که نکاتی دقیق از عرفان برایشان آشکار گردد.

در گستره ادب، کتب فراوانی در زمینه اصطلاحات عرفانی و معارفی نوشته شده است و بزرگانی این مهم را بر عهده گرفته اند که از جمله آنها عزالدین محمود کاشانی و عزیز نسفی است که هر کدام به شیوه‌ای سعی در شرح این معما داشته‌اند.

از آنجا که دغدغه خاطر این ذره کوچک در گستره بی نهایت هستی، در ادب گسترده فارسی، مباحث معرفتی و عرفان اسلامی بوده است به ارشادات و راهنماییهای استاد محترم جناب آقای دکتر ایران زاده، به خدمت جناب آقای دکتر اسپرهم معرفی شدم تا در عالم زیبای عرفان اسلامی روزه‌ای به سوی شرق عرفان، به روی خود بگشایم و از درخشش انوار آن چراغی بر دل بیفروزم و به غنیمت داشت این ایام که در محضر اساتید محترم ادب فارسی در دانشکده علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) بوده ام، چند صباحی هر چند کوتاه و با درکی هر چند کوتاه تر، با مفاهیم و معانی سر و کار داشته باشم که همواره علاقه درونی من به سمت آن بوده است.

جا دارد که ابتدا از خداوند منان که تمام لحظات و دقائق زندگی یار و مدد رسان بود و نیز از اساتید محترم خود سپاس و تشکر به جای آورم، از «جناب آقای دکتر اسپرهم» (استاد راهنما) که در ارائه موضوع و نیز ارائه دیدگاه درباره موضوع و در مراحل تحقیق کمک و یاری رسان بوده‌اند و نیز از «جناب آقای دکتر تاج بخش» (استاد مشاور) که با حمایت‌های بی‌دریغ و دلسوزانه و پدران خود، در طی مراحل نگارش، مدد رسان این جانب بوده‌اند و نیز از ریاست محترم گروه جناب آقای دکتر حسن زاده نیری، کمال تشکر را دارم و امیدوارم در سایه حمایت‌های ایشان و ارشادات و راهنمایی‌های اساتید محترم، ادب فارسی در این سرزمین هر ارز بیش از روز قبل رواج یابد و به جایگاه و ارزش خود در اجتماع، آنچنانکه شایسته است، ارتقاء یابد.

و من الله التوفیق

و علیه التکلان

منابع :

انسان کامل، نسفی، عزیزالدین، ماری ژان موله، بخش ایران شناسی انستیتو ایران و فرانسه. ۱۳۵۰.

مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، کاشانی، عزالدین محمود. شرح و توضیح از عفت کرباسی و محمود برزگر خالقی، تهران: نشر زوار. ۱۳۸۲.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۱۵	آب حیات (نسفی ۱۶۳).....
۱۵	توضیحی بر فلسفه اشراق.....
۱۵	ابدال (نسفی ۳۲۲).....
۱۵	ابلیس (نسفی ۱۴۹).....
۱۶	اتحاد (نسفی ۴۴).....
۱۷	اتصال: (کاشانی ۲۹۹).....
۱۸	اجل مسمی - اجل قضا (نسفی ۲۶۶).....
۱۸	احد (نسفی ۳۶۹).....
۱۹	اختلاف احوال مردم: (همان ۷۹).....
۱۹	ادب (کاشانی ۱۴۳).....
۱۹	آداب تجرد تأهل (کاشانی ۱۷۸).....
۲۰	آداب تعهدات نفس (کاشانی ۱۸۹).....
۲۱	آداب حضرت ربوبیت. (کاشانی ۹-۱۴۶).....
۲۲	آداب حضرت رسالت (کاشانی ۳-۱۵۱).....
۲۲	آداب خفتن (کاشانی ۱۹۷).....
۲۳	آداب سفر (کاشانی ۱۸۴).....
۲۴	آداب شیخی و فضیلت آن: (کاشانی ۱۶۵-۱۵۹).....
۲۵	آداب صحبت (نسفی ۱۲-۱۱).....
۲۶	آداب مرید با شیخ (کاشانی ۹-۱۵۳).....
۲۸	آداب طعام خوردن (کاشانی ۱۸۹ تا ۱۹۲).....
۲۹	آداب لباس پوشیدن (کاشانی ۱۹۲ تا ۱۹۶).....
۳۱	آداب معیشت (کاشانی ۱۷۵ تا ۱۷۸).....
۳۳	آدم (نسفی ۱۴۹).....
۳۴	ارباب رخص (کاشانی ۴۷).....
۳۴	ارباب عزایم (کاشانی ۴۷).....
۳۴	ازل (نسفی ۱۷۵).....
۳۵	ازمنه اربعه (نسفی ۲۰۹).....
۳۵	استتار: (کاشانی ۹۴).....
۳۷	استحسان (کاشانی ۱۰۵).....

۳۸.....	اسکندر (نسفی ۱۶۳).....
۳۸.....	آسمان (نسفی ۵۷).....
۳۹.....	اصحاب فتوح (کاشانی ۱۷۶).....
۳۹.....	افعال خدا (نسفی ۱۴۴).....
۳۹.....	افعال خلیفه خدا (نسفی ۱۴۵).....
۴۰.....	اقسام طالبان آخرت: (کاشانی ۴-۸۱).....
۴۳.....	اکسیر (نسفی ۲۵).....
۴۳.....	انس و هیبت (کاشانی ۲۹۳).....
۴۴.....	اهل دنیا (نسفی ۲۲۹).....
۴۵.....	اهل ری (کاشانی ۹۷).....
۴۵.....	اهل طریق (کاشانی ۱۱۰).....
۴۵.....	اولوالعزم (نسفی ۳۲۳).....
۴۵.....	اولیا (کاشانی ۷۴).....
۴۶.....	آئینه (نسفی ۲۳۷).....
۴۶.....	الباس خرقة (کاشانی ۱۰۷).....
۴۹.....	باطن (نسفی ۲۴۹).....
۵۰.....	بابست (نسفی ۳۲).....
۵۰.....	بت پرست (نسفی ۱۳۷).....
۵۱.....	در معرفت روح (نسفی ۱۹-۲۰).....
۵۰.....	روح نباتی.....
۵۱.....	روح حیوانی.....
۵۱.....	روح نفسانی.....
۵۱.....	روح نفسانی.....
۵۲.....	روح انسانی.....
۵۲.....	بت خواص (نسفی ۴-۵۳).....
۵۳.....	بت عوام (نسفی ۵۳).....
۵۳.....	بت نفس (نسفی ۵۴).....
۵۳.....	بجر (نسفی ۴۶).....
۵۳.....	بذل و مواسات : باب ۸- اخلاق (کاشانی ۸۲، ۲-۲۴۱).....
۵۴.....	براق (نسفی ۱۱۵-۱۱۴).....
۵۴.....	بشر و طلاق وجه: (کاشانی ۲۵۰).....
۵۵.....	بلوغ و حریت (نسفی ۷-۱۳۲).....
۵۷.....	بند (نسفی ۱۳۸).....

۵۷.....	بیت الله (نسفی ۲۲۶).....
۵۸.....	پیشوا / شیخ (نسفی ۱۰۲ و ۳).....
۵۸.....	تائب (نسفی ۳۳۳).....
۵۹.....	تجرید و تفرید: (کاشانی ۲-۱۰۱).....
۶۱.....	تجلی: (کاشانی ۱۱۷ و ۱۱۶، ۱۶۲، ۲۵۴).....
۶۲.....	تربیت (کاشانی ۹۹).....
۶۲.....	تریاق بزرگ (نسفی ۵).....
۶۲.....	تقدیر الهی (نسفی ۶۲).....
۶۳.....	تلوین و تمکین (کاشانی ۱۰۳).....
۶۴.....	تواضع (کاشانی ۲۴۵).....
۶۵.....	توبت: (کاشانی ۷-۲۵۵).....
۶۷.....	توحید (نسفی ۳۸).....
۷۲.....	مراتب توحید: (کاشانی ۱۴).....
۷۲.....	توحید ایمانی (همان).....
۷۳.....	توحید علمی (همان ۱۵).....
۷۳.....	توحید حالی (همان ص ۱۶).....
۷۳.....	توحید الهی (همان ص ۱۷).....
۷۵.....	سماع کردن (نسفی ۸-۷-۱۲۶).....
۷۶.....	در سماع (کاشانی ۹-۱۳۰).....
۸۰.....	تواجد (کاشانی ۱۳۸).....
۸۰.....	تودد و تآلف: (کاشانی ۴-۲۵۳).....
۸۱.....	توکل: (کاشانی ۶-۲۷۵).....
۸۱.....	توکل: (نسفی ۹-۳۳۵).....
۸۳.....	تین (نسفی ۱۹۱).....
۸۳.....	جذبه (کاشانی ۷۵، ۷۷) (نسفی ۱۰۳).....
۸۴.....	جمع و تفرقه: (کاشانی ۲-۹۱).....
۸۴.....	جمع و تفرقه، جامعه، متفرقه: (نسفی ۴۶۲ و ۲۵۳).....
۸۷.....	جن (نسفی ۷۹ و ۸۰).....
۸۷.....	جوهر اول (نسفی ۳۴۹) (اصطلاح فلسفی).....
۸۷.....	خلوت (کاشانی ۵ و ۱۰۴).....
۸۹.....	چله:.....
۹۰.....	حال و مقام: (کاشانی ۸۹).....
۹۱.....	حجاب و مقام (نسفی ۸-۹۷).....

۹۳.....	حدّ حسّ و خیال و عقل (کاشانی ۳۰)
۹۳.....	بکا (کاشانی ۴-۱۳۳)
۹۴.....	حلم ومدارات (کاشانی ۸-۲۴۷)
۹۴.....	حیا (کاشانی ۲۹۲ و ۲۹۳)
۹۵.....	خانقاه (نسفی ۱۰۹)
۹۷.....	خزاین (نسفی ۳۵۷) (کاشانی ۱۱۱-۱۱۰)
۹۷.....	خضر (نسفی ۵)
۹۷.....	حقیقت خُلُق: (کاشانی ۹-۲۳۷)
۹۸.....	خُلُق: (نسفی ۳-۳۰۲)
۱۰۰.....	خلیفه (نسفی ۳۶۱)
۱۰۰.....	در معرفت خواطر (کاشانی ۳ و ۲ و ۷۱ و ۳۰)
۱۰۵.....	درآفریدن افعال بندگان (کاشانی ۲۰-۱۹)
۱۰۷.....	خوف: (کاشانی ۲۶۹)
۱۰۹.....	دانا (نسفی ۴ و ۱۱)
۱۰۹.....	درخت (نسفی ۳۰۲)
۱۱۰.....	ذکر (نسفی ۷-۱۰۶):
۱۱۲.....	رؤیت: (کاشانی ۲۲)
۱۱۳.....	رضا (کاشانی ۲۸۰-۲۷۸)
۱۱۴.....	روح
۱۱۶.....	در معرفت روح (کاشانی ۶۴-۶۵)
۱۲۴.....	ریاضات ومجاهدات: (نسفی ۱۲۹ و ۸ و ۲۸۷)
۱۲۴.....	زبده (نسفی ۵۵)
۱۲۵.....	زهد: (کاشانی ۱-۲۶۰)
۱۲۶.....	زهد و مراتب زهاد: (نسفی ۵-۳۳۲)
۱۲۶.....	زاهد مطلق (نسفی ۳۳۳)
۱۲۸.....	زیارت (نسفی ۸۹)
۱۲۸.....	زیتون (نسفی ۱۹۱)
۱۲۸.....	ساهی ، لاهی، مشرک خفی (کاشانی ۵۵)
۱۲۸.....	سایه (نسفی ۲۳۰)
۱۲۹.....	عالم علوی (نسفی ۳۵۲ رسایل اضافی)
۱۲۹.....	عالم سفلی
۱۲۹.....	عالم بقا و ثبات
۱۲۹.....	عالم کون و فساد

عالم صغیر(اصطلاح فلسفی) (نسفی ۳۹۳) (رسایل اضافی).....	۱۲۹
عالم جبروت عالم کبیر(اصطلاح فلسفی).....	۱۳۰
عالم ملک و ملکوت عالم کبیر(اصطلاح فلسفی).....	۱۳۱
وجود، عدم و ممکنات (نسفی ۳۴۵) (اصطلاح فلسفی).....	۱۳۰
متخادم کاشانی (۸۷) نک متشبه حق به خادم.....	۱۳۱
مستخدم (۸۷) نک متشبه مبطل به خادم.....	۱۳۱
متعبد (۸۷) نک متشبه محق به عابد.....	۱۳۱
مراثبه (۸۶و۷) نک تشبه مبطل به زهاد کاشانی ۸۶.....	۱۳۱
غیرت محب (۲۸۸) نک غیرت.....	۱۳۱
غیرت محبوب (۲۸۸) نک غیرت.....	۱۳۱
غیرت محب محبوب (۲۸۸) نک غیرت.....	۱۳۱
شکر(کاشانی ۸-۲۶۷).....	۱۳۲
شکر (نسفی ۳۸۸-۳۸۳).....	۱۳۳
سکروصحو (کاشانی ۹۶).....	۱۳۴
تساکر : (کاشانی ۹۷).....	۱۳۵
سلوک (نسفی ۱۳-۱۲ و ۹۹-۸۴).....	۱۳۷
سلیمان (نسفی ۵).....	۱۴۵
شهود و غیبت(کاشانی ۱۰۰).....	۱۴۵
شوق (کاشانی ۲۸۶).....	۱۴۶
صبر (کاشانی-ص ۴-۲۶۳).....	۱۴۷
صحبت (نسفی ۱۱-۱۰).....	۱۴۹
معرفت مرید و مراد و سالک مجذوب و بیان احتیاج مرید به مراد (کاشانی ۷۵).....	۱۴۹
انسان کامل (نسفی ۱۱-۵).....	۱۵۱
صدق : (کاشانی ۸۲-۲۴۰).....	۱۵۷
صراط (نسفی ۳۲).....	۱۵۷
صمت:(نسفی ۹۵).....	۱۵۸
صوفی / صافی (نسفی ۲۹۷).....	۱۵۸
طاووس (نسفی ۱۴۹ و ۳۰۱).....	۱۵۸
طریق (نسفی ۵-۵۴).....	۱۵۹
طور سینین (نسفی ۱۹۱).....	۱۵۹
عروج (نسفی ۱۰۳ و ۳۲).....	۱۵۹
عشق / عاشق (نسفی ۱۱۵-۱۱۴).....	۱۵۹
عفو واحسان : (کاشانی ، ص ۲۴۹).....	۱۶۰

۱۶۰.....	عقل (نسفی ۷۴-۷۱).....
۱۶۴.....	مزاج و تسویه- (نسفی ۲۶۴-۵).....
۱۶۷.....	علم و مراتب آن. (کاشانی ۵۳-۳۵).....
۱۶۸.....	علم فریضت و فضیلت (کاشانی ص ۴۰).....
۱۶۹.....	علم دراست و وارثت (کاشانی ۴۱).....
۱۷۱.....	علم قیام (کاشانی ۴۴).....
۱۷۲.....	علم حال: (همان، ص ۴۶).....
۱۷۲.....	علم ضرورت (همان ص ۷-۴۶).....
۱۷۳.....	علم سعت (کاشانی ۹-۴۸).....
۱۷۴.....	علم یقین: (همان ۵۰-۴۹).....
۱۷۵.....	علم لدنی (کاشانی ۲۳-۵۱).....
۱۷۷.....	عیسی (نسفی ۵).....
۱۷۷.....	غرامت (کاشانی ۱۱۴ و ۱۱۵).....
۱۷۸.....	غیرت (کاشانی ۲۸۸).....
۱۷۹.....	فطره الله (نسفی ۱۶۸).....
۱۷۹.....	فقر: (کاشانی ۲-۲۶۱).....
۱۸۱.....	فقر و مراتب فقر: (نسفی ۹-۳۲۸).....
۱۸۴.....	فنا و بقا: (نسفی ۴۲۲ و ۲۸۳).....
۱۸۶.....	قرب (کاشانی ۲۹۱).....
۱۸۷.....	قناعت: (کاشانی ۵-۲۴۴).....
۱۸۸.....	کاملان (نسفی ۳).....
۱۸۹.....	کامل آزاد (نسفی ۸).....
۱۸۹.....	کتاب پیدا / کتاب پیدا کننده (نسفی ۱۹۷).....
۱۹۰.....	کفر محمود (نسفی ۴۵).....
۱۹۰.....	کفر مذموم (نسفی ۵ و ۴۴).....
۱۹۰.....	ماجرا گفتن (نسفی ۱۲۵).....
۱۹۱.....	مبتدی (نسفی ۳۳۷).....
۱۹۱.....	مبدأ: (نسفی ۷۱-۷۰).....
۱۹۴.....	متشبه محق به (کاشانی ۸۴).....
۱۹۴.....	متشبه مبطل به انبیا (متنبی) (کاشانی ۸۴).....
۱۹۴.....	متشبه محق به صوفیان (کاشانی ۸۴).....
۱۹۴.....	متشبه مبطل به صوفیان (باطنیه، مباحیه) (کاشانی ۸۴).....
۱۹۵.....	متشبه محق به مجذوبان و اصل (کاشانی ۸۵).....

۱۹۵.....	متشبه مبطل به مجذوب واصل (زنادقه) (کاشانی ۸۵)
۱۹۵.....	متشبه محق به ملامتیه (قلندریه) (کاشانی ۸۶)
۱۹۶.....	متشبه مبطل به ملامتیه (کاشانی ۸۶)
۱۹۶.....	متشبه مبطل به زهاد (مراثیه) (کاشانی ۸۶)
۱۹۶.....	متشبه محق به فقرا (کاشانی ۸۷)
۱۹۷.....	متشبه مبطل به فقرا (مراثیه) (کاشانی ۸۷)
۱۹۷.....	متشبه محق به خادم (متخارم) (کاشانی ۸۷)
۱۹۷.....	متشبه مبطل به خادم (مستخدم) (کاشانی ۸۷)
۱۹۷.....	متشبه محق به عابد (متعبد) (کاشانی ۸۷)
۱۹۸.....	متشبه مبطل به عابد (مراثیه) (کاشانی ۸۷)
۱۹۸.....	آداب صحبت (کاشانی ۱۶۸ تا ۱۷۴)
۱۹۹.....	محاضره (کاشانی ۹۳)
۱۹۹.....	مقربین (انسان ص ۱۰۳)
۱۹۹.....	محبت خدا: (نسفی ۳۳۹-۳۴۱)
۲۰۰.....	محبت: (کاشانی ۲-۲۸۱)
۲۰۲.....	محو و اثبات: (کاشانی ۳-۱۰۲)
۲۰۳.....	مزاج و نزول با طباع: (کاشانی ، ۲۵۱)
۲۰۳.....	مسافر (نسفی ۵۳)
۲۰۴.....	مشکات (نسفی ۱۶۲)
۲۰۴.....	معاد (نسفی ۸۲-۹-۷۸):
۲۰۴.....	معرفت: (نسفی ۹۷ و ۹۱)
۲۰۶.....	معرفت: (کاشانی ۶-۵۵)
۲۰۷.....	معرفت نفس: (کاشانی ۵۷)
۲۱۱.....	معرفت دل: (ص ۷-۶۶)
۲۱۵.....	مقام: (نسفی ۱۰۳)
۲۱۵.....	مقام: (کاشانی ۸۹)
۲۱۶.....	ملائکه (کاشانی ۲۳ و ۲۴)
۲۱۶.....	ملائکه انسان (نسفی ۱۹-۲۰)
۲۱۷.....	منتهبیان (کاشانی ۱۱۰)
۲۱۷.....	موت طبیعی و موت ارادی (عروج اهل تصوف) (نسفی ۹-۸-۱۰۷)
۲۱۹.....	میل و ارادت و محبت و عشق (نسفی ۱۱۳-۱۱۲)
۲۲۲.....	نور (نسفی ۲۸۳)
۲۲۳.....	هذا البلد الامین (نسفی ۱۹۱)

۲۲۳.....	واقعات (کاشانی ۱۲۴).....
۲۲۴.....	وجود (نسفی ۹-۳۸):.....
۲۳۱.....	ورع (کاشانی ۶۰-۲۵۹):.....
۲۳۱.....	وصول (کاشانی ۸۰-۷۹).....
۲۳۲.....	وقت و نفس:(کاشانی ۱۰۰-۹۷).....
۲۳۴.....	یوم البعث (نسفی ۱۸۰).....
۲۳۵.....	نتیجہ گیری:.....
۲۴۱.....	منابع:.....

مقدمه:

زندگی نامه نسفی

رایج ترین صورت نام عارف مورد بحث ما که در آثار وی دیده می‌شود. عزیزابن محمد النَّسفی است. «مقدمه ماری ژان موله» نسفی عارف و حکیم قرن هفتم هجری (تولد احتمالی در ۵۹۶ هـ.ق) در شهر نسف در حوالی بخارا دیده به جهان گشود. در دوره نسفی بخارا یکی از شهرهای بزرگ مشرق زمین و مرکز علم آموزی و ادب و معرفت به شمار می‌رفت. نسف یا نخشب که عزیزالدین خود آن را به عنوان زادگاهش معرفی می‌کند، در ایالت «سعد» قرار داشت که گویا امروزه به «قرشی» معروف است.

از جزئیات زندگانی و تاریخ حوادثی که بر او گذشته است اطلاع دقیقی در دست نیست.

نسفی در زادگاه خود نماند و با حمله مغول به بخارا بیرون رانده شد. زمانه نسفی، زمانه رنج و اندوه و شاید سخت‌ترین زمانه مردم ایران در تاریخ است.

اهمیت نسفی برای ما در این است که او در حلقه عرفان-ی کبراویه قرار دارد. در واقع در هنگام حمله مغول، کبراویه به رهبری نجم الدین کبری (۶۱۸ ق) در زمره معدود حلقه‌های رسمی صوفیانه بود که ایستادگی را بر خمول و عزلت مقدم داشتند. نجم‌الدین کبری ماند و مقاومت کرد و به طرز دردناکی به شهادت رسید و این بر ذهنیت نسفی بسیار تأثیر گذار بود. فردی که سیره نجم‌الدین کبری را ادامه داد، عزیزالدین نسفی بود، اما نه از طریق شمشیر بلکه از طریق علم. (فدایی مهربانی ۵ و ۱۳۴)

«مذهب نسفی:

او در عصری می‌زیسته که مذهب ابو حنیفه در موطن وی در اوج قدرت و رونق بوده و بسی محتمل می‌نماید که وی نیز همکیش اهل آن دیار بوده است. برخی برآنند که چون نسفی در اهمّ مصنّفات خویش - کتاب کشف الحقایق - از اصول و معتقدات ارباب تشیع با احترام و عطوفت سخن‌ها رانده است، مذهب خود وی هم آیین شیعه بوده است. مکالمه وی با سعدالدین و در مورد اولیا و صاحب الزمان، دلیلی بر تشیع وی به نظر می‌رسد.

(مقدمه مترجم بر مقدمه فرانسوی کتاب انسان کامل)

در تعریفی که نسفی از معنی «ولی» در انسان کامل ارائه می‌دهد، بیان می‌کند که چون با وجود معرفت او را (ولی را) خدای تعالی به محبت و الهام خود مخصوص گردانیده، به مقام ولایت رسید و نام او ولی گشت. از دیدگاه او ولایت به محبت و الهام معنی شده است و نه به معنی «اولی الامر» که شیعیان به آن معتقدند (فصل دوازدهم، در بیان ترقی روح انسانی) ولی در جای دیگر (رساله سوم، فصل ششم)، در بیان مقام معلوم، «ولایت و ولی» را در سلسله مراتب مقامات از پایین به بالا، قبل از مقام نبی می‌داند و بیان می‌کند «ای درویش! اگر چنان بودی که این مراتب کسبی بودندی، هر کس که کسب زیادت کردی، مقام او عالی‌تر شدی. عارف به کسب به مقام ولی رسیدی و ولی به کسب به مقام نبی رسید. و در جمله مقامات هم چنین می‌رانند، اما این جمله کسبی نیستند، عطایی‌اند.»

بنابراین می‌توان نظرات او را نزدیک به نظرات اهل تشیع دانست.

در تعریفی که نسفی از انسان کامل ارائه می‌دهد، گویا از امام زمان شیعیان (ع) سخن می‌گوید و در این مورد نیز عقاید او شیعی و یا تحت تأثیر آن است. آنجا که شیعیان اعتقاد دارند که امام در هر زمانی باید یکی باشد و هستی مانند پرگار بر نقطه وجودی امام زمان می‌گردد و قطب عالم هستی امام هر زمانی است و بدون امام هستی از هم می‌پاشد، نسفی در مقدمه انسان کامل فصل دوم در بیان انسان کامل می‌نویسد: «و این انسان کامل همیشه در عالم باشد و زیادت از یکی نباشد از جهت آنکه تمامیت موجودات همچون یک شخص است و انسان کامل دل آن شخص است و موجودات بی وی نتوانند بود؛ پس انسان کامل همیشه در عالم باشد و دل زیادت از یکی نبود، پس انسان کامل در عالم زیادت از یکی نباشد، در عالم دانایان بسیار باشند، اما آن که دل عالم است یکی بیشتر نبود. دیگران در مراتب باشند، هر یک در مرتبه‌ای. چون آن یگانه عالم از این عالم درگذرد، یکی دیگر به مرتبه وی رسد و به جای وی نشیند تا عالم بی‌دل نباشد.» (نسفی ۵)

آنچه که در شکل‌گیری عقاید و افکار نسفی حائز اهمیت است این است که وی شاگرد سعد الدین حمدیه بوده است. (۶۵۰-۵۸۷ هـ) از عارفان ایرانی که بیش از دیگران در عصر خود مورد توجه جامع بوده است. وی شاگرد بی‌واسطه نجم‌الدین کبری بوده و از وی اجازه ارشاد داشته است. وی در عهد شباب چند گاهی در حوالی دمشق زیسته و در آن دیار صدرالدین قونیری شاگرد و داماد آینده ابن عربی را دیدار کرده است و با نامه‌ای که از طرف سعدالدین به ابن عربی نوشته شد، نخستین مرحله قبول اندیشه‌های ابن عربی در محافل صوفیه ایرانی

مشاهده می‌شود که ظهور و بروز آن در نوشته‌های بسیار ساده و فصیح نسفی به زبان فارسی کاملاً دیده می‌شود.

مشرب ولایت مورد اعتقاد سعدالدین حمویه مسلماً اثنی عشری بوده است. این نکته جالب است که مصطلحات نسفی هنگام توصیف عقیدت امامیه در کتاب کشف‌الحقایق همان هاست که درباب شیخ و مرشد خود، در رساله در باب ولایت و نبوت به کار برده است. ما هم اطلاع داریم که قاضی نورالله شوشتری آن رساله را مبنای بحث خود قرار داده و مدعی شده است که حمویه شیعه اثنی عشری بوده است. (مقدمه مترجم بر مقدمه ماری ژان موله)

برای نتیجه‌گیری می‌گوییم که با ذکر حکمت الهی بر طبق ساختار اسماعیلیه و روابط و مراتب آن با شیعه اثنی عشریه نسفی نماینده یکی از نهضت‌های شیعه به نظر می‌رسد که جوش و خروش آنها در دو سده فاصل بین عصر مغولان و دوره صفویه بسیار مشخص و بارز می‌باشد و زمینه را برای ظهور تشیع عصر صفوی فراهم می‌آورد. (مقدمه مترجم بر مقدمه ماری ژان موله)

هر اندازه که نسفی در میان ما گمنام است، در میان غربیان از قرن‌ها قبل شناخته شده است.

قسمت‌هایی از ترجمه ترکی کتاب مقصد الاقصی اثر وی از سال ۱۶۵۵ نشر و به زبان لاتین ترجمه شده است. بعدها در ۱۸۲۱ م تولوک (F.Tholuck) این ترجمه را در رساله‌ای که در باب تصوف نوشته قرار داده است. پالمر هم در قبل از جنگ جهانی دوم شرح و تفسیری بر «مقصد اقصای» نسفی نوشت.

«فرنیس مابر» پژوهشگر سوئیسی در ۱۹۵۳ م، نسخ خطی نسفی را در یک مقاله معرفی کرد. پس از وی «ماریژان موله» فرانسوی بود که کتاب الانسان الكامل نسفی را با مقدمه خوبی در دهه ۱۳۴۰ ش. به چاپ رساند. این کتاب شامل پیش‌گفتار «هانری کرین» و تصحیح و مقدمه «ماریژان موله» است و دکتر «سید ضیاء الدین دهشیری» آن را ترجمه کرده است. کتاب الانسان الكامل با همکاری نشر طهوری و انجمن ایران

شناسی فرانسه در تهران به چاپ رسیده است (فدایی ۱۳۶).